

جهان، انسان شد و انسان جهانی  
از این پاکیزه‌تر نبود بیانی<sup>۱</sup>  
(شبستری، ۱۳۶۸، ص ۷۲)

### مقدمه

روانشناسی سیاسی، علمی میان‌رشته‌ای و مرکب از سیاست و روان‌شناسی است. شخصیت‌شناسی سیاسی موضوع محوری آن است. شناخت دنیای درونی انسان سیاسی و نیز نحوه تعامل آن با دنیای خارجی و اجتماعی اعم از خودی یا غیرخودی در کانون توجه است. وجه مشترک این دو رشته در رفتارشناسی است. رفتارشناسی در دو وجه مثبت و متعارف نظیر رأی دادن و منفی و مخرب در دستور کار آن است. دلیل رفتار سیاسی توجیه‌ناپذیر از سوی سیاستمداران چیست؟ چرا دولتها، گروهها و افراد، گاهی دست به کارهایی می‌زنند که هضم آن دشوار است و به بروز خسارت‌های جبران‌ناپذیر و عظیمی می‌انجامد؟ جنگها، قتل‌عامها و نسل‌کشیهای نژادپرستانه، آلودگیهای جنسی، مالی و قدرت‌طلبیهای نامعقول و به آتش کشیدن قیصریه‌ها به خاطر یک دستمال چرا روی می‌دهد؟ صرف‌نظر از رفتار سیاسی مخرب اصولاً رفتار سیاسی متعارف که متأثر از شخصیت و نگرش سیاسی است، چگونه رخ می‌دهد؟ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت چیست؟

نگرشهای سیاسی چگونه ساخته و پرداخته می‌شود؟ ویژگیها و نیازهای زیستی و روانی فرد از یک‌سو و ساختارها و نفوذ اجتماعی و گروههایی که فرد در

---

۱. اشاره به جهان اصغر یا اکبر بودن انسان و اشاره به تکامل و بزرگی روحی عارف تا جایی که جهانی شود بنشسته در گوشه‌ای و اشاره به شهریاری انسان عارف کامل در سیاست.

آنها عضویت دارد از سوی دیگر، چگونه بر رفتار سیاسی اثر می‌گذارد؟ تلقی متفاوت فرد از ماهیت انسان و صافی ادراکی او از واقعتهای سیاسی و اجتماعی چگونه اشکال گوناگون رفتار سیاسی را رقم می‌زند؟ رشد و رشد سیاسی به عنوان انگیزه‌ای برای رفتار سیاسی و کوششهای انسان در چرخه حیات چگونه تصویرپردازی می‌شود و چگونه ممکن است چشم‌اندازی مطلوب‌تر از زندگی سیاسی ترسیم کند؟ چگونه ممکن است ظرفیتهای خوش‌بینانه‌تری را برای تدبیر سیاسی و تغییر واقعتهای ناخوشایند در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی ارائه دهد؟ تعامل مثبت فرد و خانواده؛ فرد و جامعه؛ فرد و گروه؛ فرد و نظام سیاسی در چه وضعیتهایی رخ می‌دهد؟ به نحوی که ضمن حفظ و رشد «فردیت» شخص، علایق و ارزشهای اجتماعی به عنوان ضرورت زندگی اجتماعی و تمدنانه خدشه‌دار نشود؟ اهمیت سطح تحلیل روان‌شناختی و فردی در درک پدیده‌ها و تحولات پیچیده و لایه‌به‌لایه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در چیست؟ فرایندهای غیرعقلانی یا ناهشیارانه در رفتارهای سیاسی چه سهمی و نقشی دارد؟ این پرسشها بخشی از دغدغه‌های ذهنی دست‌اندرکاران حوزه جذاب روان‌شناسی سیاسی و این کتاب درسی است.

#### فواید و دلایل مطالعه روان‌شناسی سیاسی

۱. جایگاه و اهمیت درس. روان‌شناسی سیاسی از دروسی است که گاهی در دانشگاههای کشور در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه می‌شود و سرفصل درسی مشخصی دارد. این درس در رشته‌های علوم سیاسی و مدیریت جایگاه برجسته‌تری دارد. جای خالی آن در میان دروس متفاوت به شدت محسوس بوده است. این نکته زمانی ملموس می‌شود که در نظر آوریم، ما عموماً در علوم و دانشها با شناسایی علل سه‌گانه‌ای سروکار داریم. علل‌شناسی فلسفی، علل‌شناسی جامعه‌شناختی و علل‌شناسی روان‌شناختی.

*علل‌شناسی فلسفی.* درس و عناوینی چند به این علل‌شناسی می‌پردازد. نظیر «اندیشه‌های سیاسی» که در جستجوی عللی در باب ماهیت اشیاء، پدیده‌ها و حالات

انسانهاست. ویژگی این علل در انتزاعی و ذهنی بودن و ابطال ناپذیری و پاسخهایی است که بررسی صحت و سقم آنها ظاهراً از راه مشاهدات عینی و مادی ممکن نیست. علل مذهبی نیز در زمره علل فلسفی قرار می‌گیرد؛ مانند اعتقاد به دخالت خداوند در رخدادها و حوادث طبیعی یا سیاسی.<sup>۱</sup>

**علل‌شناسی جامعه‌شناختی.** دسته دوم علل در حوزه جامعه‌شناختی و اجتماع است. در این بخش به ساخت جامعه به عنوان متغیر توجه می‌شود. ساخت جامعه یک شبه ایجاد نمی‌شود و یک شبه نیز از میان نمی‌رود. ساختار جامعه، اجزای را بر رفتارها تحمیل می‌کند و نقشهایی را برای بروز رفتارها تعیین می‌کند. مثلاً چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ از دیدگاه خانم تدا اسکاچپول به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ربط داده می‌شود که از دوره صفویه به بعد شکل گرفته است (اسکاچپول، ۱۳۷۸). دروس متعددی نظیر جامعه‌شناسی سیاسی و مبانی علم سیاست و یا نظریه‌های مختلف در رشته‌های مختلف عهده‌دار ارائه این دسته از علل اند.

فراتر از آن در این سبده که واقعیات عینی بررسی می‌شود باید سهمی هم به متغیرات بین‌المللی و روابط بین‌الملل داد. موضوعی که با افزایش دامنه و ژرفای روابط اجتماعی جهانی و وابستگی متقابل جهانی، اهمیت بیشتری یافته است، از آن به عنوان جهانی شدن یاد می‌شود و حاکی از این است که ما به نحو فزاینده‌ای در یک «جهان» زندگی می‌کنیم. جایی که کنشهای ما نتایج و پیامدهایی برای دیگران، و مسائل جهان پیامدهایی برای ما دارد (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹). بنابراین به تدریج در درون سبده جامعه‌شناسی که به واقعیات عینی می‌پردازد، متغیرات بین‌المللی و واقعیات اثرگذار آن بر جوامع رو به فزونی نهاده است.

**علل‌شناسی روان‌شناختی.** در این سبده، «متغیر فرد» و روان شخصی و شخصیت، منبع تولید پاسخ و علل‌شناسی رفتارها و پدیده‌هاست. در اینجا دیگر علل فلسفی و

۱. مانند گفتار چنگیز در انتساب اعمال به حمایت خداوندی: چگونه ممکن است یک تن (چنگیز) این همه بکشد.

نقش دلایل عقلی و نیروهای ماوراءالطبیعه یا علل جامعه‌شناختی نظیر ساختارهای اجتماعی تعیین‌کننده نیست و علل و دلایل عنوان شده از جنس دیگری است. بلکه شخصیت، روحیات، دوره کودکی، نوجوانی و گذشته تلخ و شیرین فرد و ویژگیهای زیستی و غرایز و خصایص مادرزادی و ارثی و یا ویژگیهای کسب‌شده وی از محیط به وسیله یادگیری اجتماعی و مکثونات قلبی و خاطرات وی از غرایز واپس‌زده و نهفته در ضمیر ناخودآگاه وی معمای رفتار سیاسی فرد را رمزگشایی می‌کند. به‌ویژه آنکه این فرد، در زمره نخبگان سیاسی یا مدیریتی باشد و تصمیمات وی دارای بُرد و بازتابی در سطح سازمان، وزارت یا استان کشور و یا حتی نظام بین‌الملل باشد. فهم چپستی و چگونگی نگرش، شخصیت و رفتار سیاسی فرد در چنین مواردی بسیار تعیین‌کننده و حائز اهمیت است؛ زیرا فهم شخصیت و رفتار سیاسی فرد، مساوی با فهم رفتار سیاسی یک کشور در سیاستهای داخلی و خارجی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. در این قبیل کشورها به دلیل نهادینه نشدن کامل امور، نقش افراد و خصوصیات آنان بسیار مهم است. به این دلیل ویژگیهای مثبت یا منفی مدیران و سیاستمداران اهمیت خاصی می‌یابد. در قالب منفی آن عوام می‌گویند: «خدا نکند روزی دست موذی بیفتد.» یا «روزی افتاد دست موذی». کتاب *روان‌شناسی سیاسی* عهده‌دار نشان دادن رگه‌های این متغیر شخصیتی در سیاستها، سیاستگذارانها و خط‌مشی‌گذارانهاست. فهم دنیای پیچیده سیاست و مدیریت بدون درک فرایند ذهنی و ماهیت پیچیده شخصیت و فاعلیت انسان، عقیم و ناکارآمد است.

هر نظریه سیاسی و اجتماعی، هر تصویری درباره جامعه، حکومت و عدالت، در تحلیل نهایی بر نوعی برداشت درباره «سرشت بشر» تکیه دارد. این برداشت چه آشکارا بیان شده باشد و چه به شکل تلویحی، سنگ بنیادی است که بقیه اجزاء نظریه گرداگرد آن بنا می‌شود و چونان معیاری است که هر اصل و رویه سیاسی و اجتماعی دیگری با آن سنجیده می‌شود: تنها کافی است رابطه جدانشدنی میان تصورات افلاطون، اگوستین قدیس، ماکیاولی، هابز، لاک، روسو، بنتام یا میل را در اندیشه سیاسی غرب (اوداینیک، ۱۳۷۹، ص ۱۵) و متفکرانی چون غزالی، فارابی،

این خلدون و ملاصدرا را در اندیشه‌های اسلامی و مشرق زمین درباره سرشت انسان و نظریه‌های سیاسی و مدیریتی آنان به یاد آوریم. در برخورد با این واقعیت ضرورت بررسی سرشت انسان و روان‌شناسی او و رابطه آن با مسائل سیاسی، اجتماعی و مدیریتی آشکار می‌شود.

۲. خودشناسی و کنجکاوی شخصی. یافته‌های روان‌شناسی سیاسی ممکن است کنجکاوی ذاتی هر فرد درباره رفتارهای خویش را تا حدودی برآورده سازد و او را در «خودشناسی» کمک کند. انسان همواره با پرسشهایی از این دست روبه‌روست که چرا او این‌گونه فکر، احساس و عمل می‌کند؟ چرا در پاسخ به یک موقعیت واحد، دو نفر به شیوه‌های متفاوت عمل می‌کنند؟ چرا یکی پرخاشگری خود را آشکار می‌کند و دیگری خشم خود را کنترل می‌کند؟ چرا یکی شجاع و دیگری ترسوست؟ چرا یکی اجتماعی و دیگری خجالتی است؟ چرا خواهران و برادران در یک خانواده و محیط پرورش یافته تا اندازه‌ای تفاوت شخصیتی دارند؟ چرا یکی در زندگی شخصی، ازدواج، روابط دوستانه و کار و اشتغال فرد موفق است و دیگری با همه امکانات شکست می‌خورد؟ (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۶). مطالعه روان‌شناسی سیاسی برای دانشجویانی که رشته تخصصی آنان روان‌شناسی نیست، می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای تکلیف مشکل و درازمدت «خودشناسی» و «معرفت نفس» باشد. هر چند انتظار نداریم که فرد با خواندن یک کتاب در این موضوع متخصص شود. منظور کاربرد یافته‌های روان‌شناختی در شناخت خود است. همان‌سان که روانکاوان از آن برای این منظور و رفع مشکلات خود یاری جسته‌اند. بنا بر شواهدی «فروید در سال ۱۸۹۷ تصمیم گرفت، روش روانکاوی را درباره خود به کار برد. از آن پس در بقیه عمرش، نیم ساعت از آخرین اوقات هر روز را به «خود روانکاوی» اختصاص داد» (انصاری، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

بنابراین «خود روشنگری» یکی از فواید روان‌شناسی سیاسی است. یافته‌های آن ما را به فهم هر چه دقیق‌تر خودمان مجهز می‌کند و با این آشنایی در باب چرایی اعمالی که انجام می‌دهیم و نحوه عملکردهای کلی جامعه‌مان بهتر می‌توانیم بر

آینده‌مان تأثیر بگذاریم (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

۳. شناخت دیگران و استفاده کاربردی. انسان با دیگران و در کنار آنان کار و زندگی می‌کند. با آنان پیوسته در تعامل است. شناخت نسبی شخصیت آنان، زمینه‌ساز بهبود روابط بین فردی و عامل موفقیت در کار و اجتماع است. هنر تعامل مثبت با دیگران نقش مهمی در ترقی و زندگی لذت‌بخش دارد. دوآن شولتز (۱۳۸۳، ص ۶) در این باب می‌گوید:

پژوهش در زمینه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی اهمیت چنین مسئله‌ای را به اثبات رسانده است. یافته‌های پژوهشی در مورد چند هزار کارمند اخراجی نشان می‌دهد که تنها ۱۰ درصد آنان به دلیل ناتوانی در انجام دادن امور محوله از کار برکنار شده‌اند و اخراج ۹۰ درصد بقیه به دلیل برخوردهای نامناسب با همکاران و رؤسای خود بوده است. در پژوهش دیگری نشان می‌دهد که ۷۶ درصد مدیران شرکتها به دلیل مشکل روابط با دیگران از کار برکنار شده‌اند.

۴. تجزیه و تحلیل، پیش‌بینی و سیاست‌گذاری. یافته‌های روان‌شناسی سیاسی ممکن است در فهم پدیده‌ها، رخدادها، فرایندها و در مقیاس سازمانی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین‌کننده باشد. به‌ویژه در کشورهای جنوب که روند امور در ساختارهای رسمی نهادینه نشده است یا همچنان تحت تأثیر نفوذ شخصیتهاست (زونیس، ۱۹۷۷، ص ۵). در چنین وضعیتی روان‌شناسی سیاسی هم به فهم و تجزیه و تحلیل مسائل جاری و هم به پیش‌بینی و آینده‌نگری پدیده‌ها و رفتارها کمک شایانی می‌کند. با شخصیت‌شناسی سیاسی افراد تعیین‌کننده و شناخت باورها، ایستارها و حساسیتهای فرد در واقع جعبه سیاه رفتار سیاسی یک کشور رمزگشایی می‌شود. مثلاً در کشوری مانند عراق دوره صدام حسین، «عراق = صدام» است؛ یعنی فهم رفتار سیاسی عراق در قبال مسئله خاص منوط به فهم رفتار و شخصیت صدام است. حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز نمی‌توان از تأثیر خصوصیات شخصی نخبگان در سیاست داخلی یا خارجی چشم‌پوشی کرد (کلگی و ویتکف، ۱۳۸۲، ص ۷۵۶-۷۵۷). «شخصی‌شدن سیاست» (دالتون و کلینگ‌من، ۲۰۰۷، فصل ۳۰)، «مترادف‌شدن فرد با خود کشور» و عباراتی چون «تاریخ چیزی جز بیوگرافی

نخبگان نیست» گواه آن است.

علاوه بر فهم و پیش‌بینی پدیده‌ها و رفتارها، کسب منافع سرشار یا دفع ضرر احتمالی و نیز تغییر رفتار و اثرگذاری مطلوب و مورد نظر بر رفتار سیاسی رقیب در سطوح سازمانی، ملی و بین‌المللی از دستاوردهای تمسک به یافته‌های روان‌شناسی سیاسی است.

در کاربرد روان‌شناسی معمولاً تصور بر آن است که افراد با بیماریهای روانی مخاطبان آن هستند و بنابراین مردم باید هنگام بروز مشکلات روان‌شناختی به آن مراجعه کنند، حال آنکه کاربرد دیگر آن در زمینه‌های مثبت یا «روان‌شناسی مثبت‌گرا»ست. پژوهش در مسائلی غیر از «بیماری»، یعنی تمایل به تغییر، امید، خوش‌بینی، نوع‌دوستی، شوخ‌طبعی و نیز رشد استعدادها و شکوفایی نوابع یا غنی‌سازی افراد عادی از دیگر زمینه‌های عملی است. موضوعی که موجب کاربرد روان‌شناسی در حیطه بیماریها و مشکلات روانی شد، وقوع جنگ جهانی اول و دوم بوده است (ر.ک.: کار، ۱۳۸۵ و آقامحمدیان و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۶۳-۶۴).

۵. دامن‌زدن به مطالعات میان‌رشته‌ای. نگارنده که یکی از افرادی است که دغدغه خاصی در مورد مطالعات میان‌رشته‌ای و پیگیری این موضوع در ایران داشته و دارد (ر.ک.: برزگر و همکاران، ۱۳۸۶)، اشاعه عملی این رهیافت را از خلال ساماندهی حوزه روان‌شناسی سیاسی به عنوان مصداق عینی یکی از راهکارهای آن می‌داند. بنابراین یکی از مزایای جانبی این کتاب، توسعه فرهنگ میان‌رشته‌ای است. موضوعی که معمولاً در تدوین این گونه کتابها در قالبهای مختلف پیگیری می‌شود (ر.ک.: سیرز و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۳-۴). از قبیل نگارش به وسیله صاحب‌نظران رشته‌های علوم سیاسی و روان‌شناسی که البته در نگارش از یافته‌های رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، تاریخ، مردم‌شناسی، حقوق و تربیت استفاده می‌شود.

*ملاحظه اخلاقی.* آنچه در خصوص کاربرد باقی می‌ماند، «ملاحظات اخلاقی» است. سازوکارهایی که در این کتاب توصیف شده ممکن است کاربرد دوگانه‌ای داشته باشد؛ یعنی برای تشویق و تحریک مردم یا مقاصد سوء به کار رود، نظیر

و داشتن آنان به خرید نوع ویژه‌ای از خمیردندان، رأی دادن به نامزدی خاص در انتخابات که خود نوعی فریفتن دیگران و در واقع عملی غیراخلاقی است (ارنسون، ۱۳۷۵، ص ۳۳۳). علم پیوسته «ابزار» است و در این صورت می‌توان از آن برای اهداف و نیت خود استفاده‌هایی کرد. بنابراین اول آنکه شخص خود باید نوعی «سوگندنامه بقراط» را که پزشکان در مراسم دانش‌آموختگی به‌جا می‌آورند، انجام دهد و تعهد اخلاقی بدهد که از این مطالب سوء استفاده نکند. دوم آنکه باید جلوی سوء استفاده نابکاران از آن گرفته شود. ارنسون توصیه می‌کند که باید مردم را آموزش داد و نسبت به سوء استفاده از این عناصر، هشیار و گوش به زنگ کرد (همان، ص ۳۳۴).

در نگارش این کتاب نکات محوری ذیل مد نظر بوده است:

- کوشش شده است که خلاصه نظریه‌ها، مفروضات، ویژگی‌های روش‌شناختی، مفاهیم اساسی و محورهای کلی نظریه‌ها، عصاره‌کشی شود. این کار براساس نیاز مخاطبان و دانشجویان غیر تخصصی نظیر رشته‌های مدیریت دولتی و علوم سیاسی صورت گرفته است. بنابراین طبیعی است که دانشجویان رشته روان‌شناسی باید به کتب مفصل و متعدد و تخصصی خود رجوع کنند. به تعبیر دیگر قصد آن است که با ارائه پیشینه‌ای از مفاهیم، اصول و نظریه‌های روان‌شناختی برای دانش‌پژوهان رشته‌های علوم سیاسی و مدیریت دولتی، آنان را برای فهم رفتار سیاسی از منظر روان‌شناسی سیاسی آماده کرد و در واقع به ادغام رشته‌های روان‌شناسی و علم سیاست در قالب تدوین این کتاب پرداخت.

- بومی‌سازی محتوای مطالب از دیگر دغدغه‌های نگارنده بوده است. نظریه‌های موجود حاصل مطالعات فرهنگ و جامعه غربی است و به‌ندرت فرهنگ‌های متفاوت از فرهنگ غرب در پژوهش‌های جوامع غربی به چشم می‌خورد. بنابراین خودمحوری پژوهش‌های غربی و الگوپردازی ترجمه‌ای از آن در ایران معضل عمومی است (کاردان، ۱۳۸۵، ص ۱۸)؛ اما در این کتاب در بسیاری موارد کوشش شده است تا ضمن بهره‌گیری از کتاب‌های در دسترس، از «تفکر ترجمه‌ای» اجتناب شود. یعنی



کوشش بر آن است تا مسائل و نیازهای جامعه ایرانی و فضای ذهنی آنان در نگارش و بازگویی نظریه‌ها مد نظر قرار گیرد. بنابراین «تفکر» بر «مطالعه» غلبه داشته باشد. دکتر علیمحمد کاردان با اشاره به اینکه بیشتر کتابهای تألیفی امروز هم ترجمه‌ای است، آن هم ترجمه‌هایی ناقص از کتابهای متعدد که به هم چسبانده‌اند و غالباً هم ناهماهنگ (لطف آبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۸) به این فرایند غیربومی شدن اشاره می‌کند.

- تغلیظ سیاسی محتوای نظریه‌های روان‌شناختی به منظور ایجاد و تقویت رهیافتی که در آن علم سیاست با روان‌شناسی ترکیب شود و از نظریه‌های پایه‌ای روان‌شناختی در علم سیاست بهره‌گیری شود، از دیگر اهدافی است که در این کتاب و نیز تلاشهای آموزشی آن در دانشکده‌های علوم سیاسی و مدیریت پیگیری شده است.<sup>۱</sup> بررسی پدیده‌های استرس‌آور رشته‌های علوم سیاسی و مدیریت دولتی از دریچه نظریه‌های روان‌شناختی و با طعم روان‌شناسی یکی از دغدغه‌های این کتاب است.

در تألیف این کتاب که به دلایل مختلف شش سال به طول انجامید و حاصل چندین سال تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاههای دیگر است، شماری از دوستان، همکاران و استادان مساعدت داشته‌اند. از آقای دکتر علی اصغر پورعزت، که با تشویقهای مستمر و با همفکری در برخی موارد یاری داده‌اند، از سرکار خانم راحله عزیزی حروفچین محترم، از ویراستار ادبی سرکار خانم عادلہ مشایخی و از سرکار خانم رضوان صادقیان کارشناس محترم گروه و نیز سرکار خانم طاهره رضایی تهیه‌کننده نمایه کتاب و سرکار خانم منصوره مستوفی و از همه کسانی که به نحوی در این کار مشارکت داشته‌اند، به خصوص اعضای خانواده و همکاران دانشگاهی و کارکنان «سمت»، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

---

۱. این کار در حوزه جامعه‌شناسی در آثار دکتر حسین بشیریه پیگیری شده است. ایشان کوشیده‌اند تا از ترکیب جامعه‌شناسی و علم سیاست، رهیافتی جدید در ایران ارائه دهند.